

تحلیل چگونگی پیدایش فرهاد در خسرو شیرین نظامی گنجه‌ای*

(مقاله پژوهشی)

دکتر سیداحمد پارسا^۱

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

چکیده

حکایت عاشقانه خسرو و شیرین از دیرباز مورد توجه واقع شده و به گونه‌های مختلف روایت شده است. روایت‌های جاحظ (۱۶۰-۲۲۵ ه‍.ق)، دینوری (قرن سوم ه‍.ق)، طبری (۲۲۴-۳۱۰ ه‍.ق)، ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹ ه‍.ق)، ابن نباته (۶۸۶-۷۶۸ ه‍.ق) و فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ ه‍.ق) از جمله این روایت‌ها محسوب می‌شوند که در آنها هیچ اشاره‌ای به نام فرهاد دیده نمی‌شود. نظامی گنجه‌ای (۵۳۰-۶۱۹ ه‍.ق) برای اولین بار در منظومه خسرو و شیرین خود، این شخصیت را آورده و او را رقیب عشقی خسرو قرار داده است. موضوع پژوهشی حاضر «تحلیل چگونگی پیدایش فرهاد در خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای» است و بر آن است که این پرسش‌ها پاسخ دهد که فرهاد از کجا و چگونه وارد منظومه نظامی گنجه‌ای شده است؟ دلایل نام‌دهی کتاب از سوی نظامی به صورت فعلی و تغییر ویژگی‌های شخصیتی شیرین در مقایسه با آثار پیشین چیست؟ روش پژوهش تحلیلی-توصیفی است. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و سندکاوی گردآوری شده و با استفاده از تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد حکایت فرهاد از راه روایات بومی منطقه زاگرس به اثر نظامی وارد شده و او با آمیزش آن با روایت فردوسی توانسته است اثری دیگرگون بیافریند. از منظر گفتمانی، نظامی در نام اثر دخل و تصرف کرده و با حذف نام فرهاد از عنوان اثر، افزودن نام خسرو به جای آن و قراردادن آن، قبل از نام شیرین، عنوان را به خسرو و شیرین، تغییر داده است که به نظر می‌رسد به دو دلیل گفتمان مردسالارانه و قدرت (مرد بودن و شاه بودن خسرو) این کار را انجام داده است و با این کار ضمن برجسته کردن نام خسرو، ماجرای فرهاد را همچون روایتی فرعی در آن گنجانده است.

واژه‌های کلیدی: خسرو و شیرین، نظامی گنجه‌ای، شیرین، فرهاد، خسرو.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: a.parsa@uok.ac.ir

۱- مقدمه

حکایت خسرو و شیرین، از دیرباز مورد توجه بوده است. این حکایت مربوط به ماجرای عاشقانه خسرو پرویز، بیست و سومین پادشاه ساسانی با دختری به نام شیرین است. منابع بسیاری چون *المحاسن و الاضداد* ابی عثمان الجاحظ البصری، (۱۶۰-۲۲۵ ه‍.ق)، *اخبار الطوال* ابوحنیفه دینوری (قرن سوم ه‍.ق)، *تاریخ الرسل و الملوك* محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ ه‍.ق) و ترجمه آن به نام *تاریخ بلعمی*، از ابوعلی محمد بن عبدالله تمیمی بلعمی (متوفی ۳۸۳ ه‍.ق)، *غرر اخبار الملوك الفرس و سیرهم* از ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹ ه‍.ق)، *شرح العیون* ابن نباته (۶۸۶-۷۶۸ ه‍.ق) و *شاهنامه* ابوالقاسم فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ ه‍.ق) قبل از نظامی گنجیه‌ای (۵۳۰-۶۱۹ ه‍.ق) با ذکر تفاوت‌هایی این حکایت را روایت کرده‌اند. اما نقطه مشترک همه آنها عدم وجود شخصی به نام فرهاد است. به نظر می‌رسد برای اولین بار در خسرو و شیرین نظامی گنجیه‌ای است که با روایت فرهاد و ویژگی‌های شخصیتی او در یک متن مکتوب آشنا می‌شویم.

پژوهش حاضر بر آن است به منطق چگونگی پیدایش فرهاد در خسرو و شیرین نظامی گنجیه‌ای پردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که فرهاد از کجا و چگونه وارد منظومه نظامی گنجیه‌ای شده است؟ چرا نظامی به نام‌دهی روایت به صورت فعلی و تغییر برخی از ویژگی‌های شخصیتی شیرین در مقایسه با متون پیش از خود اقدام کرده است؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، در بیشتر متون قبل از نظامی نامی، از فرهاد دیده نمی‌شود. قزوینی فرهاد را مخلوق نظامی می‌داند (رک؛ قزوینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۱۴۹۸)؛

زیرا براین باور است که اولین بار نظامی نام او را در منظومه خسرو و شیرین خود آورده است.

نگاهی به کتاب‌شناسی‌های نظامی نشان می‌دهد که پژوهش‌های بسیاری درباره خسرو و شیرین نظامی از جنبه‌های مختلف صورت گرفته است، اما در این جا تنها به مواردی اشاره می‌کنیم که ارتباط بیشتری با این پژوهش داشته باشند. ابوالقاسمی و آرزومند لیالکل در مقاله «بررسی شخصیت فرهاد از واقعیت تا افسانه» (۱۳۸۹) فرهاد را پادشاه اشکانی دانسته و بر این باورند که شخصیت فرهاد، درون‌مایه‌ای اشکانی دارد که در اذهان عموم جای گرفته است و در واقع نماینده فرهنگی است که ساسانیان برای از بین بردن آن تلاش کرده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد آوردن شخصیت فرهاد، در داستان خسرو و شیرین، تلاشی جهت نشان دادن مظلومیت اشکانیان در برابر ساسانیان است؛ اما نویسندگان اشاره نکرده‌اند که این تلاش را چه کس یا چه کسانی انجام داده‌اند و چگونه نظامی از وجود فرهاد آگاه شده و چرا به فرض پذیرفتن فرضیه این مقاله، نام او را صدها سال بعد از ستردن آن، در روایت خود آورده است؟ بشیری و استاد محمدی در مقاله‌ای با عنوان «سیر تحول شخصیت فرهاد در آثار مهم‌ترین مقلدین نظامی» (۱۳۹۱) بر این باورند که فرهاد تنها زاده تخیل نظامی نیست؛ اما نشان دادن او در جایگاهی والا از سوی نظامی موجب پدید آمدن نظیره‌های فراوانی از سوی شاعران بسیار دیگری شده است. این پژوهش همانگونه که از نامش پیداست، به سیر تحول شخصیت فرهاد در آثار مقلدان نظامی پرداخته است. به نظر می‌رسد نویسندگان این مقاله، با استناد به مقاله مظفری با عنوان «پیشینه یادکرد فرهاد» (۱۳۶۸) و با ارائه نمونه‌هایی از تلمیحات برخی از شاعران - که جز فرخی سیستانی بقیه هم عصر نظامی هستند - فرهاد را زاده تخیل نظامی نمی‌دانند و براین باورند که این روایت پیش از نظامی وجود داشته است؛ اما به این مسأله نپرداخته‌اند که وقتی در بیشتر متون پیش از نظامی چون *المحاسن و الاضداد* ابی عثمان الجاحظ البصری، (۱۶۰ - ۲۲۵ ه‍.ق)، *خبار*

الطوال ابوحنیفه دینوری (قرن سوم ه‍.ق)، تاریخ الرسل و الملوك محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ ه‍.ق) و ترجمه آن به نام تاریخ بلعمی، از ابوعلی محمد بن عبدالله تمیمی بلعمی (متوفی ۳۸۳ ه‍.ق)، غرر اخبار الملوك الفرس و سیرهم از ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹ ه‍.ق)، شرح العیون ابن نباته (۶۸۶-۷۶۸ ه‍.ق) و شاهنامه ابوالقاسم فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ ه‍.ق) که به روایت خسرو و شیرین پرداخته‌اند، هیچ نامی از فرهاد نیست، آن شاعران چگونه و از کجا با ماجرای فرهاد آشنا شده‌اند که توانسته‌اند نام او را در تلمیحات شعری خود در کنار نام شیرین ذکر کنند؟ و این نام چگونه به منظومه خسرو و شیرین نظامی راه پیدا کرده است؟ دهقانیان و فراشاهی‌نژاد در مقاله‌ای با عنوان «واکوی شخصیت فرهاد در منظومه خسرو و شیرین نظامی» (۱۳۹۴)، فرهاد را نه عاشقی دلباخته و مظلوم که فردی ساده‌لوح و قربانی توطئه شیرین می‌دانند. نویسندگان این مقاله بر این باورند که نظامی عامل‌نه شیرین را تطهیر کرده و الگویی از معشوق آرمانی از او به دست داده است. ایشان همچنین بر مبنای تئوری توطئه، کوشیده‌اند فرهاد را در نقش یک قربانی از پیش تعیین شده معرفی کنند و ورود او را به داستان، نتیجه کنش متقابل شیرین در برابر هوس‌رانی‌های لگام گسیخته خسرو بشناسانند.

پژوهش‌هایی نیز در حوزه ادبیات تطبیقی بین منظومه‌های کُردی این اثر با خسرو و شیرین نظامی صورت گرفته که می‌توانند در تحلیل این پژوهش تا حدودی راهگشا باشند. صالحی و پارسا در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه خسرو و شیرین نظامی با شیرین و فرهاد الماس خان کندوله‌ای» (۱۳۸۷) کوشیده‌اند با مقایسه خسرو و شیرین نظامی با روایت شفاهی آن - که از سوی الماس خان کندوله‌ای منظوم شده - به این پرسش پاسخ دهند که نظامی تا چه حد تحت تأثیر فرهنگ مادری خود به سرودن منظومه خسرو شیرین پرداخته است؟ ایشان ضمن اشاره به وجوه اشتراک و افتراق دو اثر، آنها را دو اثر متمایز از هم به شمار آورده‌اند و تغییرات را نتیجه فاصله مکانی نظامی از

مکان در نظر گرفته شده برای داستان (بیستون)، تغییرات حاصل شده در طول زمان تا انتقال آن به قرن ششم، قدرت داستان‌پردازی و شاعری نظامی، استفاده از قدرت تخیل نیرومند انسان‌ها در بازگویی این حکایات و دگرگونی احتمالی ناشی از چند قرن فاصله بین نظامی گنجه‌ای و الماس خان کندوله‌ای ذکر کرده‌اند.

نصیری و طغیانی در مقاله‌ای با نام «مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه شیرین و فرهنگ کردی مام احمد لطفی از منظر بن‌مایه‌های اسطوره‌ای» (۱۳۹۸) خسرو را در خسرو و شیرین و فرهنگ را (در منظومه کردی) مصداق خدای باروری شهید شونده به شمار آورده‌اند با این تفاوت که فرهنگ، در منظومه کردی، همانند سایر خدایان باروری، رستخیز مجدد ندارد. اشکال بزرگ این پژوهش در عنوان آن است؛ به گونه‌ای که خواننده تصور می‌کند شخصی به نام مام احمد لطفی مؤلف کتابی به نام شیرین و فرهنگ در زبان کردی است؛ در حالی که احمد لطفی راوی یکی از روایات شفاهی و فولکلوری شیرین و فرهنگ به زبان کردی در منطقه مکریان (بوکان، مهاباد، اشنویه، نقده، سردشت، پیرانشهر و...) است. کلمه «مام» نیز جزء نام این شخص نیست، بلکه این واژه را - که به معنی عمو در زبان کردی است - در آن مناطق به منظور احترام برای اشخاص مسن به کار می‌برند؛ در واقع این روایت را قادر فتاحی قاضی از زبان احمد لطفی به صورت مکتوب درآورده و در کتابی به نام منظومه کردی شیرین و فرهنگ در سال ۱۳۸۴ در انتشارات دانشگاه تبریز چاپ کرده است. از آنجا که این پژوهش بر بررسی خسرو و شیرین از منظر اسطوره‌ای تأکید کرده، به چگونگی پیدایش فرهنگ و چرایی آوردن او از سوی نظامی هیچ اشاره‌ای نکرده است. فرامرزپور و همکاران نیز در مقاله‌ای با نام «مقایسه ساختار داستانی منظومه خسرو شیرین نظامی با شیرین و فرهنگ میرزا شفیع پاوه‌ای» (۱۴۰۰) کوشیده‌اند وجوه اشتراک و افتراق این دو منظومه را با هم مقایسه کنند و در نهایت، روایت میرزا شفیع را حکایتی متفاوت درباره سرگذشت شیرین و فرهنگ با ساختاری افسانه‌مانند دانسته‌اند.

سهراب‌نژاد در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی تطبیقی خسرو شیرین نظامی با منظومه‌های غنایی کردی جنوبی» (۱۳۸۸) خسرو و شیرین نظامی را با سه منظومه کردی شیرین و فرهاد الماس خان کندوله‌ای، شیرین و فرهاد میرزا شفیع پناه‌ای و شیرین و خسرو خانای قبادی مقایسه کرده است. نتیجه پژوهش بیانگر این است که منظومه‌های الماس خان کندوله‌ای و میرزا شفیع ضمن اثربرداری از نظامی به خاطر وجود برخی از نوآوری‌های ادبی و داستانی، روایتی متفاوت از خسرو و شیرین نظامی محسوب می‌شوند.

یوسفی و حمیدی در مقاله‌ای با عنوان «تطبیق دو منظومه غنایی فارسی و کردی مطالعه موردی: خسرو و شیرین نظامی و خسرو و شیرین خانای قبادی» (۱۳۹۳) ضمن اشاره به وجوه اشتراک و افتراق دو اثر، اثر خانای قبادی را رئالیستی دانسته‌اند و بر این باورند که این اثر از مؤلفه‌های فرهنگی زمان و مکان خود نیز در روایت خود اثر پذیرفته است. هیچ یک از پژوهش‌های یادشده علی‌رغم ارزشمندی به چگونگی پیدایش شخصیت فرهاد و چرایی ذکر آن از سوی نظامی گنجه‌ای یا چرایی نام‌دهی کتاب به صورت فعلی و تغییر برخی از ویژگی‌های شخصیتی شیرین در قیاس با آثار پیش از نظامی هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند. پژوهش حاضر با پرداختن به این موضوع و تحلیل و بررسی آن، در صدد رفع این خلأ و پاسخ به این پرسش‌هاست.

۲- بحث

خسرو و شیرین دومین منظومه نظامی گنجه‌ای است که در ۶۵۰۰ بیت در بحر هزج مسدس مقصور [و محذوف] سروده شده و به نام طغرل بن ارسلان سلجوقی (۵۷۳-۵۹۰ ه‍.ق) و اتابیک اعظم شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز (۵۶۸-۵۸۱ ه‍.ق) و قزل ارسلان بن ایلدگز (۵۸۱-۵۸۷ ه‍.ق) آغاز و به نام طغرل و قزل ارسلان پایان می‌یابد (زنجان، ۱۳۷۰: ۲۷). حکایت عاشقانه خسرو و شیرین «از جمله داستان‌های

اواخر عهد ساسانی است» (صفا، ۱۳۶۸، ج ۲: ۸۰۲). این حکایت پیش از نظامی در آثاری چون *المحاسن و الاضداد*، *اخبار الطوال*، *تاریخ الرسل و الملوك*، *غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم* و *شاهنامه فردوسی* در ضمن پادشاهی خسرو پرویز ذکر شده است. نظامی گنجه‌ای (۵۳۰-۶۱۹ ه‍.ق) اولین کسی است که این حکایت را به صورت منظومه‌ای مستقل درآورد و اولین کسی است که روایت فرهاد را نیز با آن تفصیل در این منظومه وارد کرد. این روایت، علاوه بر افزودن شخصیت فرهاد، تغییرات دیگری نیز دارد؛ به عنوان نمونه، شیرین از یک کنیز در متون دیگر (رک؛ بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۹؛ میرخواند، ۱۳۳۸: ۸۰۰؛ ثعالبی ۱۹۹۳: ۶۹۱ و...) یا دختر عموی خسرو در روایت شفاهی گردی (رک؛ فتاحی قاضی، ۱۳۸۴) به شاهزاده ارمن و شخصیت او نیز از فردی با ویژگی‌های نه چندان خوشایند (رک؛ فردوسی، ۱۳۸۹، دفتر ششم؛ ثعالبی ۱۳۶۸: ۴۲) در این روایت، به شخصیتی عفیف و عاشقی دلباخته تغییر کرده است. در این پژوهش می‌کوشیم به این مسائل و تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم.

وقتی در اغلب روایات پیش از نظامی درباره خسرو و شیرین، نامی از فرهاد دیده نمی‌شود، این سؤال پیش می‌آید که فرهاد از کجا در اثر نظامی پیدا شد و اصولاً پیدایش این حکایت چگونه است؟ دلایل تغییر در برخی از ویژگی‌های شخصیتی شیرین در منظومه نظامی گنجه‌ای، چگونگی ورود فرهاد به روایت و حتی تغییر نام روایت از شیرین و فرهاد به خسرو و شیرین چیست؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است بدانیم روایات شفاهی این حکایت با نام شیرین و فرهاد قرن‌هاست در میان زاگرس‌نشینان سینه به سینه نقل شده‌است. برخی چون الماس خان کندوله‌ای، شفیع پناه‌ای آن را از روی روایات شفاهی گردی به نظم در آورده‌اند و برخی نیز مانند قادر فتاحی قاضی متن منظوم شفاهی رایج در بین مردم را به چاپ رسانده‌اند. شایان ذکر است مکان‌های مورد اشاره در این روایت مانند بیستون، قصر شیرین و موارد دیگری از این دست، بیشتر در نواحی گردنشین واقع شده

است که در جای خود به آنها می‌پردازیم. نظامی گنجه‌ای نیز - آن‌گونه که خود اشاره کرده است- از مادری گُردنژاد متولد شده است:

گر مادر من ریسۀ گُرد مادر صفتانه پیش من مرد
از لابه‌گری که را کنم یاد تا پیش من آردش به فریاد
(نظامی، ۱۳۶۴: ۷۵)

این مسأله از سوی نظامی‌شناسان و پژوهشگران ادب پارسی نیز تایید شده است؛ وحید دستگردی (۱۳۶۳: ز)، نفیسی (بی‌تا: ۳)، صفا (۱۳۶۱: ج ۲: ۷۹۹) احمدنژاد (۱۳۶۹: ۷)، ثروت (۱۳۷۰: ۳۳)، زرین‌کوب (۱۳۷۲: ۱۵)، زنجانی (۱۳۷۰: ۳) و ثروتیان (۱۳۸۲: ۱۲) از جمله این افراد هستند. ثروتیان در مقدمه کتاب خسرو و شیرین در این‌باره چنین نوشته است: «زبان مادری نظامی گنجه‌ای در معنی خاص آن گُردی بوده است و نظامی نیز با نهایت سرافرازی در این باب سخن می‌گوید و عمداً کلمه گُرد (به ضمّ اوّل) را در قافیه قرار می‌دهد تا تعبیر و تحریفی پیش نیاید» (ثروتیان، ۱۳۶۶: ۵۸). زرین کوب (۱۳۷۲: ۱۵) به موقعیت قوم گُرد و نوعی برتری اشراف‌گونه آنان، در گنجه اران و قسمتی از ارمنستان و گرجستان اشاره کرده و براین باور است که «در شهر گنجه به سبب حکومت تقریباً طولانی شدّادیان گُردنژاد، به این قوم همچنان به چشم عنصری اشرافی نگریسته می‌شد و تعداد گُردان در شهر بردع به حدّی بوده که یک دروازه شهر به نام «باب الاکراد» نامیده شده و در آنجا، سال‌ها، بازار هفتگی برپا بوده است» (همان). این مسأله در کنار اشاره روایت به محیط حکایت خسرو و شیرین بویژه مکان‌هایی چون بیستون، وجود شهری به نام قصر شیرین، نقش برجسته و محوری فرهاد در روایت‌های شفاهی این اثر در بین گُردزبانان، وجود مکان‌های زیادی متناسب به فرهاد در مناطق کردنشین و مواردی از این دست، فرضیه زاگرس بودن منشأ حکایت فرهاد و انتقال آن را از راه زبان مادری نظامی تقویت می‌کند. پذیرش فرضیه اشکانی دانستن شخصیت فرهاد و شکل‌گیری این حکایت به عنوان کنشی متقابل در برابر کوشش

ساسانیان در زدودن فرهنگ اشکانی نیز از این روند، منافاتی با نظریه پیشین ندارد؛ زیرا برخی از تاریخ‌نویسان بویژه تاریخ‌نویسان گُردزبان [صرف نظر از درستی یا عدم درستی این مطلب] اشکانیان را کُرد می‌دانند.

در روایات شفاهی کُردی قرن‌ها پیش از نظامی، شخصیت فرهاد وجود داشته و خلاف منظومه نظامی، نقش اصلی را بر عهده داشته‌است؛ به عبارت دیگر، روایات شفاهی حول محور شخصیت فرهاد است. نام اثر نیز (شیرین و فرهاد) به خوبی مؤید این نظر است؛ زیرا در تمامی منظومه‌های کُردی که بر اساس روایات شفاهی تنظیم شده‌اند، روایت به نام شیرین و فرهاد است نه خسرو و شیرین؛ از این رو، به نظر می‌رسد منظومه نظامی آمیزه‌ای از روایت شاهنامه فردوسی و روایات شفاهی بومی مناطق زاگرس‌نشین باشد که با هنر تصویرسازی و شیوه روایت‌پردازی نظامی به صورت شاهکاری جاودان درآمده است؛ البته نظامی در برخی ویژگی‌های شخصیتی شیرین، تغییراتی ایجاد کرده و نام منظومه خود را نیز به خسرو و شیرین تغییر داده که در زیر به تجزیه و تحلیل این مسأله نیز می‌پردازیم:

به نظر می‌رسد یکی از آثار مکتوب نظامی در تدوین منظومه خسرو و شیرین، شاهنامه فردوسی بوده باشد؛ اشاره نظامی نیز بیانگر این آشنایی است:

حکیمی کاین حکایت شرح کرده است حدیث عشق از ایشان طرح کرده‌است
(نظامی، ۱۳۷۸: ۳۳)

البته ادامه ابیات نشان می‌دهد نظامی به بازگویی این ماجرا از زبان فردوسی اکتفا نکرده و مواردی را که به نظر او فردوسی فرو گذاشته، به نظم درآورده است:

نگفتم هرچه دانا گفت از آغاز که فرخ نیست، گفتن گفته را باز
در آن جزوی که مانند از عشق بازی سخن راندم، نیت بر مرد غازی
(همان)

به نظر می‌رسد منظور نظامی از آن جزو بازمانده از عشق بازی، ماجرای عشق‌ورزی فرهاد است که در شاهنامه و بسیاری دیگر از کتاب‌های پیش از نظامی یا موجود نیست و یا مانند تاریخ بلعمی جز در حد اشاره‌ای بیش نیست (رک؛ بلعمی، ۱۳۵۳: ۷۵۸). از این‌رو نظامی «می‌خواست تغافل فردوسی را در نقل داستان‌های عشق خسرو و شیرین، جبران کند و داستان‌های این دو دل‌داده را آن‌چنان که در گنجینه و در عصر نظامی روایت می‌شد، به نظم درآورد و برای پرهیز از تقلید شاهنامه وزن شاهنامه را که مناسب داستان‌های غنایی نبود، رها کرد و منظومه‌ای مستقل پرداخت که جنبه‌های داستانی و محلی و سبکی خود را هم حفظ می‌کرد (رستگار فسایی، ۱۳۸۶: ۲۴۹). شهرت این کتاب موجب شد نظیره‌های بسیاری از آن پدید آید. وجود ۶۰ نظیره شناخته شده به فارسی و ترکی بهترین دلیل این مدعاست (رک؛ رادفر، ۱۳۷۱ الف: ۲۲۴-۲۳۲). این آثار علاوه بر لثاری است که زبان‌های دیگر ایرانی در این زمینه وجود دارد. همچنین آثاری را که در این زمینه در هند و بنگال پدید آمده، در بر نمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد منبع دیگر نظامی، روایات شفاهی گُردی است که از راه زبان و فرهنگ مادری از آن مطلع شده و با تلفیق روایت فردوسی و روایت شفاهی زاگرس‌نشینان گُرد، به آفرینش منظومه‌ای مستقل به نام خسرو و شیرین اقدام کرده است.

در روایات شفاهی و کتاب‌هایی که براساس این روایات در زبان گُردی تدوین شده‌اند، روایت حول محور فرهاد است؛ همین مسأله توجیه‌کننده نام این حکایت به شیرین و فرهاد است که می‌تواند از دو جهت قابل تجزیه و تحلیل باشد: اول این که جلوه‌های فرهنگ ایران باستان در فرهنگ عامه نمود بیشتری دارد، از این‌رو بعید نیست آوردن نام شیرین در روایت‌های شفاهی وجود بازمانده اندیشه‌های زن سالارانه در میان عامه مردم باشد. دوم این که زن در فرهنگ عامه به طور عموم و در مناطق گُردنشین زاگرس به طور اخص، اغلب از احترام و آزادی خاصی برخوردار است؛ بهترین نمونه

آن وجود صداهای زنلنه در ادب عامه از لالایی‌ها و دیگر نغمه‌های مادرلنه تا آواهای کار، ترانه‌های عاشقانه، سوگ سروده‌ها و نیایش‌هاست (برای اطلاع بیشتر رک؛ پارسا، ۱۴۰۳). در حالی که در خسرو و شیرین نظامی، ماجرای فرهاد همچون روایتی فرعی بر اصل داستان خسرو پرویز قرار گرفته است.

از دلایل نامگذاری اثر نظامی به خسرو و شیرین نیز از منظر تحلیل گفتمان می‌توان به این موارد اشاره کرد: نخست این که ادب مکتوب گذشته، بیشتر گفتمان هیأت حاکمه را نمایندگی می‌کرد و در خدمت اهداف آنان بود؛ از این‌رو، در کتابی که برای شاه یا امیری نوشته می‌شد، اغلب می‌بایست قهرمانان آن نیز، از بین همان اقشار انتخاب شوند تا هم همذات‌پنداری با این روایات، برای شاهان آسان‌تر باشد و هم سنجیتی با آنان داشته باشد؛ به عبارت دیگر، چنین روایاتی باید مربوط به اشخاصی باشد که ارزش خواندن از سوی پادشاه را داشته باشند. مگر می‌شود وقت همایونی با خواندن مطالب افراد عادی و ناشناس یا شنیدن صدای آنان در متون گرفته شود؟ بنابراین از آن‌جا که نظامی، بنا به اشاره خود، خسرو و شیرین را بنا به پیشنهاد پادشاه وقت (طغرل بن ارسلان سلجوقی) سروده است:

چنین فرمود شاهنشاه عالم که عشقی نو بر آر از راه عالم
(نظامی، ۱۳۷۸: ۱۳)

کوشیده خلاف روایات شفاهی و گزارش‌های متون پیش از خود، روایت خود را با ایجاد تغییراتی شایسته و درخور ارائه به پادشاه منظوم سازد. از این رو، شخصیت شیرین را خلاف متون پیشین، از دیوسترگ (فردوسی، ۱۳۸۹)، قاتل مریم دختر قیصر روم و همسر خسرو پرویز (فردوسی، همان؛ ثعالبی ۱۳۶۸: ۴۲) و دختر عموی خسرو در روایات شفاهی احمد لطفی (رک؛ فتاحی قاضی، ۱۳۸۴) به عاشقی عفیف و پاکدامن و جایگاه اجتماعی او را از کنیز (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۹؛ میرخواند، ۱۳۳۸: ۸۰۰؛ ثعالبی

۱۹۹۳: ۶۹۱ و...) به شاهزاده ارمن تغییر داده است. البته زهد و پارسایی خود نظامی را نیز در تغییر خوی و خصلت شیرین در روایت نظامی نباید از نظر دور داشت.

دومین عامل تغییر را باید در گفتمان مردسالارانه و گفتمان قدرت جستجو کرد که موجب شده نظامی، نام خسرو را که پادشاه است در آغاز کتابش قرار دهد و شیرین را در مرتبه دوم این منظومه نامگذاری کند. در حالی که داستان نظامی در نام‌دهی کتاب، حول محور شیرین است و هسته شکل‌گیری این روایت و هسته ایجاد دلدادگی در هر دو نفر (خسرو و فرهاد) هم، باز شیرین است و هم اوست که انگیزه ادامه روایت محسوب می‌شود؛ سؤال دیگر این که فرهاد که «در عصر ما از رستم و اسفندیار و از خود خسرو، معاصر حقیقی یا ادعایی او، مشهورتر است» (قزوینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ۱۴۹۸)، از کجا به منظومه نظامی راه پیدا کرده است؟ قزوینی براین باور است که فرهاد به هیچ روی مخلوق نظامی نیست (همان‌جا). او با استناد به «اعلام ایرانی» از یوستی به ۲۴ فرهاد‌نام در تاریخ ایران اشاره می‌کند که همگی قبل از دوره مورد نظر نظامی و بیشتر آنان از سلاطین و شاهزادگان اشکانی بوده‌اند (همان: ۱۴۹۹). وی با استناد به همان منبع، معنی فرهاد را عاقل و باهوش معرفی کرده است (همان‌جا).

در همه متونی که بعد از نظامی از فرهاد نام برده شده، شخصیت وی مهندسی پیکرتراش است که در روایت نظامی برای کندن جویی به کار گرفته می‌شود تا شیرهای دوشیده شده به واسطه آن جوی، از کوهستان به قصر شیرین راه یابد؛ زیرا شیرین بنا به گفته نظامی چیزی را لذیذتر از شیر نمی‌دانست و اغلب فقط شیر می‌نوشتید و ظاهراً نام شیرین منسوب به این علاقه اوست:

پری پیکر نگار پرنیان‌پوش	بت سنگین دل، سیمین بُناگوش
در آن وادی که جایی بود دلگیر	نخوردی هیچ خوردی خوشتر از شیر
گرش صد گونه حلوا پیش بودی	غذاش از مادیان و میش بودی

(نظامی، ۱۳۶۶: ۳۷۰)

همین مسأله یعنی آوردن شیر از طریق کندن جوی، باورپذیری و حقیقت ماندی حکایت را با مشکل مواجه می‌کند؛ زیرا شیر زود فاسد می‌شود و چنین چیزی در عالم واقع امکان‌پذیر نیست؛ در حالی که در روایات شفاهی دلیل فراخوانی فرهاد، مشکل کم آبی کرمانشاه است و از فرهاد می‌خواهند که برای این کار چاره‌ای بیندیشد و از راه بیستون معبری برای ورود آب به داخل کرمانشاه پیدا کند. طرح این مسأله در کنار وجود آب در بیستون، آثار کنده شده بر دیواره کوه بیستون، وجود تاریخی خسرو پرویز و سنگ‌نگاره‌های این منطقه، خلاف رولیت نظامی، حقیقت ماندی و باورپذیری این حکایت را برای عامه مردم بیشتر کرده است.

صالحی و پارسا بر این باورند واژه شیرین در خسرو و شیرین نظامی با ملّیت و تبار او و حتّی با واژه شیر سنخیتی ندارد؛ (رک؛ صالحی و پارسا، ۱۳۸۷: ۱۴۸)؛ بلکه «به نظر می‌رسد این واژه در اصل واژه‌ای گردی و به معنی زیبا، دلفریب [و دوست داشتنی] باشد؛ زیرا هنوز هم در برخی از نواحی گردنشین بویژه در سنندج و کرمانشاه این واژه را به معنی زیبا و دوست‌داشتنی به کار می‌برند» (همان‌جا).

به نظر می‌رسد نظامی خود نیز به این معنا واقف بوده است؛ زیرا در برخی از موارد گویی تعمّدی در به کارگیری این واژه به این معنی دارد:

دلارامی تو را در بر نشیند کزو شیرین‌تری دنیا نبیند
(نظامی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)

یا:

نه شیرین‌تر ز شیرین خلق دیدم نه چون شب‌دیز شبرنگی شنیدم
(همان: ۱۴۷)

علاوه بر موارد یادشده، انتساب مکان‌هایی به عنوان مکان رخداد روایت در مناطق گردنشین ایران مانند بیستون، طاق بستان یا وجود شهری به نام قصر شیرین در استان کرمانشاه با آثار باستانی بازمانده در آنها بویژه سنگ‌نگاره‌ها، وجود مکان‌هایی مرتبط با

نام فرهاد در نواحی کردنشین ایران بویژه در استان‌های کرمانشاه، کردستان و ایلام، در آفرینش فرهاد در روایات شفاهی و باورپذیر کردن آن، برای باشندگان این ناحیه و دیگر زاگرس‌نشینان نقش اساسی داشته است.

گُرد بودن تبار مادری نظامی، کثرت کردن در گنج، تمامی اران، ارمنستان، و گرجستان و برتری اشراف‌گونه آنان (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۵) و فرمانروایی نسبتاً طولانی شدآدیان‌گُرد، (همان‌جا)، همگی می‌توانند در انتقال شفاهی حکایت شیرین و فرهاد به مردم این منطقه به طور عام و به نظامی به طور خاص، عاملی مهم به شمار آیند. زرین‌کوب بر این باور است که شهرت عشق خسرو و شیرین، دیرپایی آن در نواحی گنج، بازگویی آن در بردع و دیدن آثار منسوب به این ماجرا از سوی مسافرانی که از گنج به بغداد و مکه می‌رفتند، موجب تداعی این حکایت، در اذهان آنان می‌شد (رک؛ همان: ۷۴-۷۵) که به نظر می‌رسد این امر به نوبه خود در باورپذیری این حکایت و گسترش بازگویی آن، بویژه در نواحی گنج و اران تأثیر بسزایی داشته است.

از طرف دیگر نظامی با شاهنامه فردوسی اُنسی دیرین داشت (رک؛ همو، ۱۳۷۴: ۷۴؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۶: ۲۴۹) بنابراین به نظر می‌رسد نظامی از آمیزش روایت فردوسی با روایات شفاهی کردن زاگرس‌نشین، روایتی نوین آفریده است. توانمندی نظامی در چینش و گزینش واژگان، تسلط او بر روایت‌پردازی، مهارت شاعری، ذوق هنری، تصویرسازی و مواردی از این دست، این اثر را به یک شاهکار جاودان شعر فارسی تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که رادفر به ۵۵ مثنوی اشاره کرده است که به پیروی از منظومه خسرو شیرین نظامی سروده شده است (رادفر، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۷).

درواقع منظومه شیرین و فرهاد قرن‌ها پیش از نظامی به صورت شفاهی در میان زاگرس‌نشینان وجود داشته و سینه به سینه نقل شده است. قهرمان اصلی این روایت، فرهاد است؛ عاشقی سینه‌چاک که با تیشه‌اش به تراشیدن کوه می‌پردازد تا با شکافتن آن، آب را از بیستون به کرمانشاه بیاورد و در مقابل این کار، به وصال شیرین دست یابد.

به نظر می‌رسد کم‌توجهی به ادب عامه بویژه از سوی ادب درباری، عامیانه خواندن آن، عدم امکان به نگارش در آوردن آن از سوی مردم و مواردی از این دست، یکی از موجبات ناآشنایی این روایت در بین فرهیختگان جامعه آن روز شده باشد. از سوی دیگر، تاریخ‌نویسان به دلیل تاریخی بودن شخصیت خسرو پرویز، صرف‌نظر از حقیقی یا افسانه‌ای بودن وجود فرهاد، در کتاب‌های تاریخی تنها به نام خسرو پرویز اشاره کرده‌اند، اما - همانگونه که پیشتر اشاره شد - وجود مکانهایی چون بیستون، وجود آب در آن، وجود شهری به نام قصر شیرین و سنگ نگاره‌های بیستون علاوه بر آفرینش این روایت و شکل‌گیری آن مطابق روایت شفاهی، در باورپذیری بومیان آن ناحیه نیز نقش اساسی ایفا کرده‌است. در نتیجه به نظر می‌رسد ماجرای فرهاد از راه روایات شفاهی زبان مادری نظامی به او رسیده است و او نیز توانسته با استفاده از این روایت، روایتی متفاوت از روایات مکتوب پیشینیان بیافریند. مسلماً هنر نظامی را نیز در روایت پردازی و توانش ادبی او را نیز در شهرت و جاودانگی این اثر، نباید از نظر دور داشت.

۳- نتیجه‌گیری

فرهاد در واقع نامی اشکانی است؛ این نام در بسیاری از کتب تاریخی پیش از نظامی، حتی در قسمت تاریخی شاهنامه - که هنگام یاد کرد ساسانیان در ضمن اشاره به پادشاهی خسرو پرویز، به ماجرای شیرین نیز اشاره شده - وجود ندارد. همانگونه که فرضیه مخالفت ساسانیان با مظاهر اشکانیان را نمی‌توان به کلی انکار کرد یا از نظر دورداشت، به نظر می‌رسد عدم توجه ادبیات درباری به ادبیات عامه را نیز در بی‌توجهی و عدم یادکرد فرهاد، نباید نادیده گرفت. از طرف دیگر، ماجرای فرهاد در روایات شفاهی نواحی زاگرس، بویژه در مناطق گردنشین کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام با عنوان شیرین و فرهاد وجود دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد این روایت از راه زبان و فرهنگ مادری به نظامی رسیده باشد و او با آمیزه‌ای از روایت شفاهی با روایت

فردوسی روایتی نوین پدیدآورده و توانسته با توانمندی، ذوق سرشار ادبی، هنر واژه‌گزینی و چینش واژگان، تصویرسازی‌ها و هنر روایتگری خود، آن را به شاهکاری بی‌بدیل، تبدیل کند.

از منظر گفتمانی، در مقایسه با روایات شفاهی، نظامی در تغییر نام اثر دخل و تصرف کرده و آن را از شیرین و فرهاد به خسرو و شیرین، تغییر داده است؛ به عبارت دیگر نام خسرو را قبل از نام شیرین در عنوان اثر ذکر کرده است که به نظر می‌رسد به دو دلیل گفتمان مردسالارانه و قدرت (مرد بودن و شاه بودن خسرو) این کار را انجام داده است و با این کار روایت را حول محور این دو شخصیت (خسرو و شیرین) قرار داده و ماجرای فرهاد را همچون روایتی فرعی در آن گنجانده و با اصل حکایت پیوند داده است؛ در حالی که روایت شفاهی آن، به نام شیرین و فرهاد قرن‌ها پیش از نظامی وجود داشته و در آن فرهاد نقش اول و شخصیت اصلی را بازی می‌کند و خسرو در حاشیه قرار گرفته است. البته، به نظر می‌رسد تقدیم کتاب به پادشاه سلجوقی را نیز در این تغییر نام نباید از نظر دور داشت. همچنین به نظر می‌رسد نظامی تحت تأثیر گفتمان قدرت، شیرین را از جایگاه اجتماعی کنیز در متون پیش از خود به شاهزاده ارمن ارتقا داده است. باورمندی نظامی به آیین اسلام و عفت او در دگردیسی شخصیت شیرین نیز از فردی دارای ویژگی‌های نامتناسب با فرهنگ اسلامی در متون پیش از خود، به عاشقی پاکدامن، همسو با گفتمان اسلامی زمان خود را نیز در این مسأله نباید نادیده گرفت. البته این تغییرات علاوه بر متفاوت کردن روایت او با روایات پیشین، آن را هم با انتظارات دربار، بویژه از روند گفتمان قدرت و هم با گفتمان دینی یعنی با روند باورهای دینی مردم آن زمان، کاملاً همسو کرده و با این کار روایتی نوین آفریده که با اقبال عموم مردم بویژه فرهیختگان مواجه شده است و در نظیره سازی‌های بعد از او می‌توانسته نقش به سزایی داشته باشد.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. احمدنژاد، کامل (۱۳۶۹). تحلیل آثار نظامی گنجوی، تهران، انتشارات علمی.
۲. بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی، تصحیح محمد تقی بهار، تهران: زوآر.
۳. پارسا، سیداحمد (۱۴۰۳). گونه‌شناسی عامه سروده‌های کردستان. تهران: نشر پرسمان.
۴. پاوه‌ای، شفیع (۱۳۸۳). شیرین و فرهاد. به اهتمام محمد حسینی، تهران: توکلی.
۵. ثروت، منصور (۱۳۷۰). گنجینه حکمت در آثار نظامی، تهران: امیرکبیر.
۶. ثعالبی، حسین بن محمد (۱۹۹۳م). الغرر اخبار الملوک الفرس و سیرهم، همراه ترجمه و مقدمه زتنبرک و دیباچه مجتبی مینوی، تهران: نشر قطره.
۷. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱ الف). کتابشناسی نظامی گنجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲). پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، تهران: دانشگاه تهران.
۹. زنجانی، برات (۱۳۷۰). احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸). تاریخ ادبیات در ایران، چاپ نهم، تهران: فردوس.
۱۱. فتاحی قاضی، قادر (۱۳۸۴). منظومه گردی شیرین و فرهاد. تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق. چاپ سوم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۳. قزوینی، محمد (۱۳۶۳). یادداشت‌های قزوینی، تهران: انتشارات علمی.

۱۴. کندوله‌ای، الماس خان (۱۳۷۳)، حکایت شیرین و فرهاد، تصحیح امین گرجی، قم: سینا.

۱۵. میرخواند، محمد بن سید برهان‌الدین (۱۳۳۸). *روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء*، مقدمه عباس پرویز، تهران: مرکزی

۱۶. نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۳۶۴). *لیلی و مجنون*. تصحیح: بهروز ثروتیان، تهران: توس.

۱۷. نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۳۷۸). *خسرو شیرین*، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

۱۸. _____ (۱۳۶۶). *خسرو و شیرین*، با تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: توس.

۱۹. _____ (۱۳۸۲). *خسرو و شیرین*، با تصحیح بهروز ثروتیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲۰. _____ (۱۳۶۳). *کلیات حکیم نظامی گنجوی*، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲۱. نفیسی، سعید [بی‌تا]، *مقدمه بر قصاید و غزلیات نظامی*، تهران: انتشارات فروغی.

ب) مقالات

۱. ابوالقاسمی، مریم و مصطفی آرزومند لیالکل (۱۳۸۹)، «بررسی شخصیت فرهاد از واقعیت تا افسانه»، *تاریخ ادبیات*، دوره ۳، شماره پیاپی ۶۶، پیاپی ۶۶/۳، صص ۵-۲۲.

۲. بشیری، محمود و نوشین استاد محمدی (۱۳۹۱)، «سیر تحول شخصیت فرهاد در آثار مهم‌ترین مقلدان نظامی»، *مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۳-۶۰.

۳. دهقانان، جواد و یاسر فراشاهی‌نژاد (۱۳۹۴)، «واکاوی شخصیت فرهاد در منظومه خسرو شیرین نظامی». شعر پژوهی، سال ۷، شماره ۲، پیاپی ۲۴، صص ۷۳-۹۰.
۴. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱ ب)، «نظیره‌پردازان خمسه نظامی»، کیهان فرهنگی، سال نهم، شماره ۸۸، صص ۲۴-۲۷.
۵. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۶)، «خمسه‌سرایی در ایران»، آینه میراث. دوره جدید، سال پنجم، شماره اول و دوم، پیاپی ۳۶ و ۳۷، صص ۲۴۳-۲۵۷.
۶. صالحی، ژيلا و سيّد احمد پارسا (۱۳۸۷)، «مقایسه خسرو و شیرین نظامی با شیرین و فرهاد الماس خان کندوله‌ای». کاوش‌نامه. سال نهم، شماره ۱۷، صص ۱۲۹-۱۵۲.
۷. _____ (۱۳۹۰)، «بررسی جلوه‌های زبانی فرهنگ مادری در خسرو شیرین و هفت پیکر نظامی گنجه‌ای». کاوش‌نامه. سال دوازدهم، شماره ۲۲، صص ۳۱-۵۷.
۸. فرامرزپور، شیرین؛ پوران یوسفی پورکرمانی و حمید طیبی (۱۴۰۰)، «مقایسه ساختار داستانی خسرو شیرین نظامی با شیرین و فرزهاد میرزا شفیع پاوه‌ای»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۶۳.
۹. مظفری، علیرضا (۱۳۶۸)، «پیشینه یادکرد فرهاد در ادب فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۲۲، شماره ۳ و ۴، شماره مسلسل ۸۶ و ۸۷، صص ۲۱۴-۲۲۱.
۱۰. نصیری، جبار و اسحاق طغیانی (۱۳۹۸)، «مقایسه خسرو شیرین نظامی با منظومه عامیانه شیرین و فرهاد کردی مام احمد لطفی از منظر بن مایه‌های اسطوره‌ای». فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۲۳۱-۲۵۱.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱. سهراب‌نژاد، علی حسن (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی خسرو شیرین نظامی با منظومه‌های غنایی کردی جنوبی (رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی)، به راهنمایی ناصر نیکویخت. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.